

فرهنگ عفاف و حجاب؛ راه کار نهادینه سازی، گسترش و حفظ باورهای دینی

<?xml encoding="UTF-8">

با رویکرد بررسی اختیارات و وظایف دولت اسلامی

چکیده

نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف به عنوان یکی از ضرورت های باورهای دینی مستلزم برنامه ریزی صحیح در سه حوزه فرد، خانواده و جامعه است. نقش حکومت اسلامی در ایجاد و ترویج این باور انکارناپذیر بوده و در نگاهی عمیق تر، ضروری و اساسی است. پیش از برنامه ریزی صحیح باید عناصر مفهومی چون فرد انسانی، خانواده و جامعه را در زمینه فعالیت علمی و فرهنگی به خوبی شناخته و جایگاه هر یک را بررسی کرد. سپس در سه مرحله نهادینه سازی (تعمیق)، گسترش فرهنگ (ترویج) و حفظ و پاس داری از باورهای ترویج شده (تحفیظ)، با استفاده از ابزار و شیوه های کاملاً مدرن و مؤثر به فعالیت پرداخت.

برای اجرایی و عملیاتی شدن هر یک از مراحل پیش گفته، نیازمند حرکت جمعی پویایی در نهادهای فرهنگی - اعم از خصوصی و دولتی - خواهیم بود که اگر این هم سویی و هم پوشی در سطح فراگیر صورت نگیرد، به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید و گستره عمل فرهنگی هم چون گذشته، به گروه و دوره خاصی محدود خواهد شد. بنابراین، برای نهادینه سازی، گسترش و حفظ فرهنگ عفاف و حجاب باید از همه توانایی ها، اختیارات و امکانات موجود در نهادهای کشور بهره گرفت. آموزش و پرورش، حوزه ها، دانشگاه ها، نهادهای اقتصادی و فرهنگی و حتی بهداشتی کشور در رسیدن به هدف مورد نظر نقش بسزایی دارند. به ویژه آموزش و پرورش در همه دوره ها در رأس همه نهادها نقش دارد. در پی آن، سیزده پیشنهاد نیز برای پیشبرد اهداف در این زمینه مطرح شده است.

مقدمه

اندیشه و فرهنگ دینی ساختار اصلی جامعه اسلامی را تشکیل می دهد که اثر آن در رفتارهای فردی و اجتماعی شهروندان هویدا می شود و بازتاب باورها و دغدغه های افراد را در فضای حاکم بر جامعه می توان دید. از آن جا که اثرگذاری و اثرپذیری فرد و جامعه امری پذیرفته شده و انکارناپذیر است، برای اصلاح، تغییر و ایجاد فرهنگ باید به این دو مسئله توجه ویژه ای داشت.

رفتارهای دینی گاه شخصی و درونی اند و آثار ویران گر آن در اجتماع چه اندک یا بسیار، به چشم نمی آید و گاهی جنبه بیرونی دارند که آثار منفی آن در جامعه بر جای می ماند. شارع مقدس درباره نوع دوم رفتارها، سفارش های جدی و مهمی دارد. پیامبر اعظم (ص) در این باره فرموده است:

«ان المعصية اذا عمل بها العبد سرا لم تضر الا عاملها و اذا عمل بها علانية و لم یغیر علیه اضرت بالعام؛ همانا هنگامی که گناهی پنهانی باشد، جز گناه کار آسیب نمی بیند و هنگامی که آشکارا باشد و اعتراض و تغییری

بر ضد آن نشود، به همه مردم آسیب می رسد.

بنابراین، جامعه و دولت اسلامی درباره گناه آشکار، باید با چاره اندیشی، سلامت روانی شهروندان را تضمین کند. حجاب و عفاف از جمله احکام اسلامی و ضروریات دین است که سیاست گذاران اجتماعی باید برای اجرای آن برنامه ریزی کنند. در این نوشتار، به بحث جنجال برانگیز مجاز بودن یا نبودن دخالت حکومت اسلامی در ورود به حوزه اعتقادات و ارزش های جامعه نمی پردازیم؛ زیرا این نوع باورها با بهداشت روانی و اجتماعی و سلامت جامعه ارتباط مستقیم دارد. از این رو، ایجاد و حفظ آن در شرح وظایف حکومت اسلامی، بیان شده است. امنیت، آرامش و پاس داشت مقدسات از نیازهای اولیه انسان معتقد به شمار می آید که در کنار نیازهای جسمانی و اجتماعی و شاید در رأس نیازها قرار می گیرد و دولت باید این نیازها را برآورده سازد. نکته مهم در این زمینه، تعیین محدوده اختیارات و وظایف دولت نسبت به ملت و نهادینه سازی باورها در این محدوده است. با نگاهی گذرا به بخشی از اصول قانون اساسی، به ویژه سوگندنامه ریاست جمهوری، این محدوده، مشخص و جایگاه فرهنگ سازی در زمینه باور حجاب و عفاف نیز تعیین می شود. در بخشی از سوگندنامه آمده است: ... [سوگند یاد می کنم]... همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت هایی که بر عهده گرفته ام، به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم.

رشد کشور و گسترش دین و اخلاق در جامعه، در سایه حکومت اسلامی و با همت دولت مردان آن پدید خواهد آمد و بر اساس این سوگندنامه، از ویژگی های حکومت دینی به شمار می رود. در واقع، تفاوت اصلی دولت اسلامی با دولت دموکراتیک، در تحقق ارزش های دینی و سیاست گذاری در زمینه فرهنگ سازی دینی است که با مطالعه سیره نبوی و علوی می توان به این نکته دست یافت. در این نوشتار، راه کارهایی برای نهادینه سازی، گسترش و حفظ فرهنگ حجاب و عفاف با روی کرد بررسی اختیارات و مسئولیت های دولت اسلامی بیان می شود.

ضرورت بحث

مطالعات تاریخی و بررسی جنبش های بزرگ دنیا نشان دهنده این حقیقت است که بحث مبارزه با حجاب و عفاف زنان، گاه به ابزاری سیاسی برای اجرای اندیشه های استعماری تبدیل شده و گاهی بهترین وسیله برای دین ستیزی مخالفان ادیان بوده است.

فرانتس فانون در کتاب الجزایر و مسئله حجاب می نویسد:

هنوز رؤیای رام کردن جامعه الجزایری به کمک زنان بی حجاب که شریک جرم اشغال گرند، بیرون نرفته است. هر بار که زن الجزایری کشف حجاب می کند، در واقع، با این عمل خویش، وجود جامعه الجزایری را با سیستم دفاعی سست بنیاد و باز و متلاشی به اشغال گر اعلام می دارد. هر چادری که می افتد و هر بدنی که از فشار سنتی چادر نماز، رها می شود و هر چهره ای که به نگاه جسور و ناآرام اشغال گر عرضه می شود، برگردان این معناست که الجزایر به انکار وجود خویش آغاز کرده و هتک ناموس را از جانب اشغال گر پذیرفته است.

در این کتاب، تعبیرهایی به کار رفته که عمیق و زیباست؛ تعبیرهایی چون: «الجزایر چادر از سر بردارد» یا «الجزایر چهره به نامحرم نشان دهد». این تعبیرها، نقش زن در جامعه های دینی را نشان می دهد. در واقع، جامعه دینی را با نوع پوشش زنان آن می توان شناخت. با مطالعه این اثر و کتاب های مربوط به اندلس و خاطرات مستر

همفر، جاسوس استعمار در کشورهای اسلامی، به ضرورت بحث نهادینه سازی حجاب در جامعه های دینی و نقش دولت ها در این باره پی می بریم. به طور کلی، هرگاه فرهنگ عفاف و حجاب نهادینه شود، جامعه را از تندباد تهاجم فرهنگی در امان می دارد.

پیش از ورود به بحث نهادینه سازی باور حجاب و عفاف در جامعه، باید پیکره جامعه را بشناسیم تا بتوانیم بر اساس آنان برنامه ریزی کنیم. از این رو، در گام نخست، عناصر مهم پیکره جامعه را بررسی می کنیم. معمولاً مجموعه انسانی از سه عنصر اصلی؛ یعنی فرد، خانواده و جامعه پدید می آید که تعامل و ارتباط آن ها با یک دیگر اثبات شده است.

فرد انسانی

عنصر اصلی تشکیل دهنده جامعه، فرد است و هر فرد به تناسب آفرینش، استعدادها و توانایی های خویش، نظام فکری ویژه ای دارد که به او جهت می دهد، چنان که در قرآن کریم آمده است: «قل کل يعمل علی شاکلته». درباره معنای «شاکله»، تعبیرهایی هم چون نیت، استعداد و قابلیت، طریق، جهت و ناحیه بیان شده که نشان دهنده ویژگی های درونی و قابلیت های شخصی افراد است. بنابراین، هنگامی که از انسان سخن می گوئیم، نیازهای جسمانی، روانی، اجتماعی و نظام فکری و اعتقادی و ویژگی های انحصاری او را در نظر می گیریم. انسان ها دارای قدرت تفکر و تعقل هستند و به یاری اطلاعات و معلومات خود، در کنار یکدیگر زندگی می کنند و با ایجاد پیوند منطقی و هوش مندانه، به دنیای مجهولات راه می یابند. بدیهی است که برنامه ریزی برای موجودی عاقل و متفکر، نیازمند بهره گیری از ابزارهای مناسب است. انسان افزون بر برخورداری از عقل و قدرت تجزیه و تحلیل، از نعمت فطرت نیز بهره مند است که در صورت در امان ماندن از آسیب های بیرونی، همانند چراغی، درون او را روشن می سازد.

برنامه سازان فرهنگی و تربیتی، این نکته را پذیرفته اند که شالوده و پایه اصلی تشکیل خانواده و جامعه، فرد انسانی است. از این رو، بیش از آن که برنامه های خود را بر خانواده و جامعه متمرکز کنند، برای افراد، به شکل انحصاری برنامه ریزی می کنند.

خانواده

کوچک ترین واحد اجتماع و مؤثرترین آن، خانواده است. جامعه ای که بر اساس تعامل و تفاهم ایجاد می شود، هدف ها و دغدغه های مشترک دارد. سلیقه های گوناگون یا تفاوت های فردی و جنسیتی، زمینه برخوردها و واکنش های منفی را فراهم می سازد، ولی از خانواده می توان با عنوان مقدس «ناموس شخصی» یاد کرد. کیفیت نقش های متقابل و شیوه اثرگذاری و اثرپذیری اعضای خانواده در مبحث فرد و خانواده از اهمیت بیش تری برخوردار است و میزان موفقیت تک تک افراد، به میزان اثرگذاری و اثرپذیری آنان بستگی دارد. خانواده در شکل گیری شخصیت افراد نقش فراوانی دارد و به همین دلیل، حضرت علی (ع) به مالک اشتر سفارش می کرد در اداره جامعه و امور حکومتی از افرادی بهره گیرد که اصالت خانوادگی دارند و از این افراد با عبارت «اهل البیوتات الصالحة والسوابق الحسنة» یاد می کند.

گفتنی است حتی گروه های فمینیستی در دوره های جدید به اهمیت خانواده پی برده اند. در گذشته،

مارکسیست فمینیست ها بر این باور بودند که نظام سرمایه داری برای تزییع حقوق زن، از نهاد خانواده استفاده کرده است. پس برای احیای حقوق زن باید خانواده را کنار نهاد. در مقابل، فمینیست های پست مدرن با پذیرش وجود خانواده، اعتقاد دارند این واحد کوچک، زمینه را برای حفظ اقتدار زن فراهم می کند، ولی باید شکل آن را تغییر داد. از این رو، مرد خصوصی و زن خصوصی را پیشنهاد می دهند که در چنین خانواده ای، فرزند می تواند پدر یا مادر را برای سرپرستی برگزیند. در نتیجه این فرآیند، جامعه دو جنسی شکل می گیرد. نادرستی این دو نظریه بر کسی پوشیده نیست، ولی منظور ما، بیان تغییر نگرش نسبت به وجود نداشتن خانواده و ضرورت وجود آن در جامعه انسانی است.

شناخت خانواده و نقش های آن و چگونگی ارتقای روابط مناسب اعضای خانواده و بررسی حقوق متقابل و میزان اثرپذیری و اثرگذاری آنان، زمینه برنامه ریزی درست فرهنگی را برای مسئولان فرهنگی اعم از بخش خصوصی و دولتی فراهم می کند. در قرآن کریم، از اعضای خانواده صالح و شایسته به عنوان همراهان ابدی و همیشگی یاد شده است که «جنات عدن» میزبان آن ها خواهد بود: «جنات عدن یدخلونها و من صلح من آبائهم و ازواجهم و ذریاتهم...».

روایت هایی نیز که نشان دهنده وظایف متقابل اعضای خانواده است، اهمیت و جایگاه خانواده را در اسلام می رساند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

«به جز صدیقان، شهیدان و مردانی که خداوند، خیر دنیا و آخرت را برای آنان اراده کرده است، کسی دیگر به خانواده اش خدمت نمی کند.»

پس خدمت به عیال از ویژگی های این گروه هاست. با دقت در این سخن که پاداش تلاش گر در راه رفاه خانواده را با مجاهد برابر می داند و روایت های دیگری که این وظایف را مشخص می کند، به اهمیت خانواده از دیدگاه معصومان می توان پی برد. حقوق زوج ها بر یک دیگر، حق والدین بر فرزند، حق فرزند بر والدین و سفارش اخلاقی بندگان صالح خداوند نیز به این نکته اشاره دارد.

نقش های اصلی خانواده در فرهنگ دینی عبارتند از:

1. نهادینه سازی باورهای دینی در وجود فرزندان با انجام دستورها و سفارش های تربیتی رهبران دینی؛
2. جهت دهی به نگرش ها و گرایش های کودکان و اعضای خانواده به وسیله پدر و مادر؛
3. تقویت بافت های مثبت فکری فرزندان نسبت به باورهای موجود؛
4. پدید آوردن نظام سالم اعتقادی برای فرزندان و دیگر اعضای خانواده با گسترش فرهنگ مطالعه و گفت و گوی علمی.

جامعه

مجموعه دوستان، هم کاران، هم شهریان و هم نوعانی که نسبت نسبی و سببی با فرد ندارند، در تعریف این بخش اجتماعی جای می گیرند. گفتنی است این حوزه نیز بر اساس ویژگی های مشترکی هم چون علاقه و رابطه عاطفی، کار، موقعیت جغرافیایی، ملیت و هویت مشترک شکل می گیرد و بدین ترتیب، زمینه اثرگذاری اثرپذیری پدید می آید.

معمولاً این حوزه را دو گروه حاکمان و مردم تشکیل می دهند. نهادها و سازمان های دولتی در گروه اول و شهروندان با هر اختلاف طبقاتی، در گروه دوم قرار می گیرند. هر یک نیز در برابر دیگری وظایف مشخصی دارند که

عمل به این وظایف و محترم شمردن آن‌ها ضامن سعادت و سلامت فرد و اجتماع خواهد بود. میزان اثرگذاری این دو گروه بر یک دیگر، از میزان اثرگذاری متقابل اعضای خانواده کم تر نیست. درباره گروه اول، ضرب المثلی هست که می گوید: «الناس علی دین ملوکهم» یا روایتی که شباهت مردم به امیران خود را می رساند: «الناس بأمرائهم أشبه منهُم بِآبائهم». مشخص کردن حقوق و وظایف متقابل اعضای خانواده مانند حق همسایگان بر یک دیگر، حق معلم بر شاگرد و برعکس نیز بیانگر این اثرگذاری و اثرپذیری است.

افزون بر دلایل نقلی، با استدلال عقلی نیز می توان به اثبات اثرگذاری و اثرپذیری میان افراد اجتماع و ضرورت آن پرداخت و تاکنون هیچ نظریه پرداز، جامعه شناس و روان شناسی این موضوع را رد نکرده است. به طور کلی، روابط متقابل فرد، خانواده و جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از یک سو، افراد از خانواده و جامعه اثر می پذیرند و از سوی دیگر، همین افراد تعیین کننده برنامه های خانواده و سیاست های اجتماعی در سطح کلان، هستند. در بخش های بعدی، تصویر روشن تری از این ارتباط ها ترسیم خواهد شد، ولی کوتاه و گذرا می توان گفت دولت مردان و مسئولان، پس از شناسایی نیازها و خواست های مردم، به سیاست گذاری و اجرای برنامه ها برای برآوردن این نیازها می پردازند و مردم بر اساس همین سیاست ها و به تناسب برنامه های حکومت، به زندگی شان جهت می دهند. از این رو، نقش های جامعه را می توان چنین ترسیم کرد:

1. بسترسازی برای گسترش فرهنگ دینی؛

2. مبارزه با عوامل مادی و معنوی موجود در جامعه که مانع گسترش فرهنگ دینی می شود؛

3. اصلاح ساختار و دیدگاه های حاکم بر جامعه به وسیله فرهنگیان و دولت مردان.

بدیهی است که نخست این اصلاح از خانواده و به شکل درون سازمانی آغاز می شود و آن گاه به سطح جامعه می رسد. امام علی (ع) می فرماید: «فلیست تصح الرعیه الا بصلاح الولاة؛ مردم رستگار نمی شوند مگر با رستگاری زمام داران».

فرآیند فرهنگ سازی دینی

بحث حجاب و عفاف جزو بحث های فرهنگی و مذهبی به شمار می رود که بیش از امور نظامی، سیاسی و اجتماعی به برنامه ریزی تدریجی و ریشه ای نیاز دارد. تمام نهادها و سازمان ها اعم از خصوصی و دولتی و شهروندان در فرهنگ سازی، نقش دارند و به همین دلیل، بدون ریشه یابی، آسیب شناسی و شناسایی ورودی های فرهنگی و شناخت عوامل ویران گر و آشنایی با شیوه های مبارزه با این عوامل، نمی توان برنامه ای درست و کارآمد طراحی کرد. فرهنگ سازی برای سه حوزه یادشده را می توان در مرحله نهادینه سازی، گسترش و حفظ روش مند انجام داد که در هر بخش، نقش برخی نهادها پررنگ تر از دیگر نهادها خواهد بود. برای نمونه، در مرحله نهادینه سازی باورهای دینی درباره عفاف و حجاب، نقش آموزش و پرورش به ویژه آموزش در دوره های ابتدایی و راهنمایی، بسیار حساس و مهم به نظر می رسد؛ زیرا شخصیت دینی در دوره کودکی شکل می گیرد. در روایت هم آمده است: «مثل الذی یتعلم فی الصغر کالنقش فی الحجر؛ مثال دانشی که در کودکی آموخته شود، مثل حک کردن نقشی بر سنگ است.» به طور کلی، آموزش در دوره کودکی، مانا تر خواهد بود و برنامه ریزی در این دوره، ارزشمندتر است.

اینک به تبیین مرحله های یادشده می پردازیم:

1. نهادینه سازی (تعمیق)

عمق بخشیدن به باورها و گذر از آگاهی سطحی به لایه های زیرین حقیقت و فرهنگ را گویند. بررسی موشکافانه فلسفه و علت های هر حکم و پدیده و تطبیق آن با موردهای مشابه ناقص و تبیین نقش و جایگاه آن در زندگی بشری، پس از در نظر گرفتن احتمال های متعدد درباره عدم آن پدیده موجب نهادینه سازی آن می شود. در این مرحله، بهره مندی از مؤثرترین و کارآمدترین ابزارهای آموزشی و کمک آموزشی، شناخت مخاطب از جنبه های گوناگون و ایجاد ارتباط صمیمانه با فراگیرندگان ضروری است. بهترین روش در مرحله نهادینه سازی باور عفاف و حجاب، برنامه ریزی برای خانواده ها و اطلاع رسانی در زمینه شناخت کودک، نیازها و ویژگی های اوست تا به این وسیله از سال های ابتدای زندگی به فرهنگ سازی پرداخته شود. آموزش در خانواده از دو طریق صورت می گیرد:

الف) آموزش مستقیم که گاه در قالب امر و نهی و خواهش و تمنا خواهد بود و از ابزار اصیل هم چون تشویق و تنبیه البته به شکل علمی آن استفاده می شود. معمولاً این گونه آموزش با نوعی مقاومت روانی کودک روبه رو می شود و اگر اصول تربیتی کودک و بهره گیری از بهترین و صحیح ترین شیوه ارتباط با او رعایت نشود، نتیجه معکوس خواهد داد.

ب) آموزش غیرمستقیم که از طریق رفتار و عمل کرد اعضای خانواده بدون استفاده از آموزش های گفتاری انجام می شود و بیش تر شکل امر و نهی و موعظه را به خود می گیرد. معمولاً مادرانی که دغدغه حجاب و عفاف دارند و در برخورد با نامحرم، رفتار عفیفانه از خود نشان می دهند و این حالت در وجود آن ها نهادینه شده است، در عمل و به طور غیرمستقیم به نهادینه سازی باور حجاب و عفاف در فرزند خویش پرداخته اند. استفاده از برخی برنامه های رسانه ملی و لوح های فشرده آموزنده، از مصداق های آموزش غیرمستقیم به شمار می رود. هم چنین کتاب هایی که با توجه به اصول ویژه ادبیات کودک نوشته شده اند، به طور غیرمستقیم، حجاب و عفاف را مطرح کرده اند.

پس از خانواده، مدرسه، عهده دار نهادینه سازی باورهای دینی و فرهنگ حجاب و عفاف خواهد بود. استفاده از ابزارهای آموزشی مؤثر و مورد علاقه دانش آموز و اصلاح متن های آموزشی و قرار دادن متنی جذاب و شیرین به تناسب نیازهای کودک، در کتاب های درسی، از جمله برنامه های آموزشی در این بخش است.

نهادینه سازی باور و فرهنگ دینی در حوزه سوم یعنی جامعه نیز جایگاه مهمی دارد. چنان که گفتیم، خانواده و آموزش و پرورش به طور خاص، در پرورش کودکان در این مرحله، نقشی مؤثر و مفیدتر دارند. برای نوجوانان و جوانانی که مرحله کودکی را پشت سر نهاده اند، با توجه به ادبیات نوجوان و جوان و نیازهای ویژه آن ها و نیز شناخت ویژگی های مربوط به این دوره سنی می توان برنامه ریزی کرد. فرهنگ سراها، نهادهای فرهنگی و سازمان های دانش گاهی در نهادینه سازی باورهای دینی جوانان نقش دارند، ولی از آن جا که شخصیت و ساختار فکری جوان تا حدودی شکل گرفته است، کاری بس بزرگ و دشوار خواهد بود و نیازمند مطالعه و پژوهش کارشناسانه است.

اثبات حجاب به عنوان اصل ضروری دین، هدف ها و برنامه های تربیتی حجاب و عفاف، فلسفه شارع مقدس در تشریع حجاب و عفاف، آثار و فایده های فردی و اجتماعی آن، از مقوله های مطرح در این مرحله است که باید متناسب با ادبیات روز کودک، نوجوان و جوان آموزش داده شود.

2. گسترش (ترویج)

گسترش و رواج دادن مفاهیم فرهنگی در سطحی گسترده را گویند. تفاوت مرحله گسترش فرهنگ حجاب و عفاف با مرحله اول، در گستردگی قلمرو و دامنه آن، توجه و دقت در امور مربوط به ظاهر و حفظ شعایر و ابلاغ

احکام و شاخه های یک فرهنگ است. در این مرحله نیز به نوعی نهادینه سازی باورها صورت می گیرد، ولی این مرحله معمولاً پس از تحکیم پایه ها و اصول فکری خواهد بود و جنبه یادآوری و توسعه نسبت به باورهای نهادینه شده افراد را دارد.

تبیین بهترین نوع پوشش و رفتار اجتماعی، تعیین حریم ارتباط با نامحرم و معرفی الگوی جامع حجاب و عفاف در سطح گسترده، از مصداق های گسترش به شمار می آیند. فاصله میان دو مرحله به اندازه ای کوتاه است که گاه تصور می شود دو بخش از یک مرحله هستند، ولی در بخش راه کارها، تفاوت های ظریف این دو مرحله مشخص خواهد شد. معمولاً مرحله نهادینه سازی نسبت به مرحله گسترش، نیازمند زمان بیش تری خواهد بود و آرام آرام می توان فرهنگ اصیل دینی را نهادینه کرد.

3. حفظ و نگه داری (تحفیظ)

مرحله سوم فرهنگ سازی، حفظ و پاس داشت باورهای دینی نهادینه شده و گسترش یافته در جامعه است. در این مرحله، با تنظیم و ابلاغ قانون ها و آیین نامه هایی به اداره ها و مؤسسه های دولتی و غیردولتی، می توان فرهنگ پدیدآمده را که نمود بیرونی هم دارد، پاس داشت. در این مرحله، وارد شدن برخی نهادها مانند نیروی انتظامی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر و مؤسسه های ویژه مربوط به پاس داری از شاخص های فرهنگی به عرصه عمل ضروری است.

ابزارها و شیوه های فرهنگ سازی

شناخت ابزارهای مناسب و شیوه ها و قالب های مؤثر و کارآمد، از گام های نخست برای نهادینه سازی و گسترش باورهای دینی است. تحلیل ابزاری و روشی، فرصتی برای فرهنگ سازان ایجاد می کند تا در زمان کوتاه تری با استفاده از ابزارهای مناسب و شیوه های مؤثر به هدف های خود برسند.

وسایل ارتباط جمعی و رسانه ها، ابزار مهمی برای عرضه و انتقال پیام های فرهنگی به مخاطبان در سطح گسترده است. آشنایی با انواع رسانه ها و استفاده بهینه از کارآیی ها و بهره وری درست از همه امکانات این ابزار، فرهنگ سازی را روش مندتر می کند و به روند آن سرعت می بخشد.

به کارگیری جدیدترین یافته های علمی روز در عرصه فن آوری اطلاعات و ریزفن آوری (نانو تکنولوژی) نیز ابزار دیگری برای نهادینه سازی باورهای دینی است. هم چنین به یاری ابزار آموزشی و کمک آموزشی می توان به اهداف فرهنگی مورد نظر نزدیک شد. متن های آموزشی، پژوهشی و جهت دهی به موضوع ها و برگزاری نشست های متناسب با سطح تحصیلی افراد نیز جزو ابزار کمک آموزشی است.

هنر به عنوان قالبی جهانی که فراتر از زبان ها و ملیت هاست، یکی دیگر از بهترین شیوه های فرهنگ سازی در عرصه های ملی و بین المللی است. پیام هایی که از طریق هنر متعهد بیان شوند، به علت بهره گیری از نیروهای درونی افراد و برآوردن حس زیبایی شناسانه انسانی، بسیار ماندنی و عمیق تر خواهند بود. گفتنی است که هنر تصویری از دیگر هنرهای اثرگذار است.

هم چنین مرکزهای اعزام مبلغ و متولیان فرهنگ دینی در نهادینه سازی فرهنگ حجاب، نقش مهمی دارند و آشنایی مبلغان و مروجان فرهنگ دینی با شیوه های تبلیغی جدید، بسیار کارآمد است. تبلیغ از طریق ارتباط چهره به چهره و مستقیم نیز بسیار مؤثر است. البته با بهره مندی از فن آوری روز و شبکه اینترنت و ایجاد پایگاه های شخصی برای مبلغان می توان این نوع تبلیغ را در فضای گسترده تری انجام داد و از زمان، بیش تر سود

نقش ها و وظایف دولت اسلامی در فرهنگ سازی دینی

نهادینه سازی، گسترش و حفظ فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه اسلامی، نیازمند حرکتی گروهی، پویا، هدف مند و روش مند است. از این رو، تلاش همه جانبه نهادهای دولتی از یک سو و شهروندان از دیگر سو، همراه با تعامل، تفاهم و هم دلی سبب می شود که فرهنگ عفاف گسترش یابد.

بدیهی است دخالت و نظارت سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه و حرکت مردمی و درخواست جدی و پی گیر آنان می تواند به تغییر وضع موجود و نزدیک شدن به وضع مطلوب بینجامد. از آن جا که نوشتار حاضر به محدوده و قلمرو مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی می پردازد، بیش تر به وظایف قوه مجریه اشاره می کنیم، ولی به دیگر قوه ها نیز نظر داریم.

حرکت اصولی و روش مند در نهادینه سازی، گسترش و حفظ فرهنگ حجاب و عفاف را به پنج مرحله می توان تقسیم کرد:

1. احساس ضرورت مردم برای ایجاد تحول در فرهنگ عمومی حجاب و عفاف؛
 2. تلاش برای حل مسئله و گسترش اعتراض مردم به مسئولان و متولیان فرهنگ دینی؛
 3. حرکت دولت و برنامه ریزی در چهار سطح: شناخت کارشناسانه موضوع، آسیب شناسی موضوع، بررسی راه های حل موضوع و ارائه راه حل های مناسب به مراجع صلاحیت دار قانونی مانند قوه مقننه (به صورت لوایح قانونی)؛
 4. اجرای برنامه های تصویب شده از سوی قوه مقننه و برنامه ریزی درباره اهداف جزئی و اجرایی برای رسیدن به هدف کلی؛
 5. تغییر وضع موجود و ایجاد وضعیت مطلوب در زمینه حجاب و عفاف، با بهره مندی از اختیارات دولت.
- با توجه به پنج مرحله یادشده، نقش اساسی دولت اسلامی را در نهادینه سازی، گسترش و حفظ باورها می توان دریافت. مردم این حرکت را آغاز می کنند. سپس دولت وارد عمل می شود و پس از بررسی کارشناسانه، پیشنهادهایی به قوه مقننه می دهد و پس از تصویب مجلس، آن را اجرا می کند.
- با بررسی ماجرای «کشف حجاب» که حکومت پهلوی با به کارگیری همه نهادها و سازمان های دولتی و مردمی این حرکت ضدفرهنگی را در سال 1314 اجرا کرد، روند حرکت و برنامه ریزی مسئولان آن دوران را برای دست یابی به موقعیت یاد شده می توان به خوبی تحلیل کرد. گفتنی است به دلیل مخالفت های جامعه و برحق نبودن ایده کشف حجاب، عمر این حرکت ضدفرهنگی کوتاه بود. از این پدیده می توان چنین نتیجه گیری کرد که حجاب و ضرورت آن امری است که مردم ایران به حکم فطرت و عقل پذیرفته اند؛ زیرا اگر چنین نبود، مردم با کشف حجاب مخالفتی نمی کردند. وقتی با چنین واقعیت و موهبتی روبه روییم، بسیار خطا خواهد بود اگر با بدسلیقگی و رفتارهای افراطی و تفریطی، این موقعیت مناسب را از دست بدهیم. بی گمان، با تلاش آگاهانه، حجاب، در چنین جامعه ای نهادینه خواهد شد.

در کتاب تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، به 157 سند (از سند شماره 25 تا سند 208) درباره مسائل مربوط به کشف حجاب اشاره شده است. جلوگیری از ورود خانم های باحجاب به مکان های عمومی، ممنوع بودن همسران افسران در استفاده از چادر در مهمانی ها و پرداخت مساعده به افسران برای تهیه لباس های

مخصوص برای خانواده های آنان، موضوع بخشی از این سندهاست.

نکته قابل توجه در این زمینه، هماهنگی نهادهای مهم کشوری و لشکری برای سامان دهی این حرکت ضدفرهنگی است. وزارت کشور برای جلوگیری از استفاده چادر، بخش نامه صادر می کرد و کارمندان مجبور بودند این قانون را بپذیرند. وزارت جنگ به ستاد ارتش درباره جلوگیری از ورود زنان باحجاب به مکان های عمومی نامه می فرستاد و ارکان حرب کل قشون در این باره بخش نامه جداگانه صادر می کرد. در مجلس شورای ملی نیز برای کشف حجاب، جشن برپا می شد و زنان بدون حجاب در آن شرکت می کردند. در کنار این، مسئولان در نامه های محرمانه، با اشاره به احتمال شکل گیری تحریک ها و دسیسه های خارجی، از پرسنل خود به ویژه در مناطق مذهبی می خواستند هوشیار باشند.

حتی در برخی سندها، به سودجویی برخی تاجران و فروشندگان لباس در این ماجرا اشاره شده است. مسئولان نیز برای این که لباس های پیشنهادی مانند دست کش، کلاه، پوست و پارچه فاستونی، ارزان باشد و برای بهره مندی همگانی مانعی به وجود نیاید، به فروشندگان این کالاها دستور دادند بر آن ها برچسب قیمت بزنند تا کسی نتواند گران تر بفروشد.

حکومت پهلوی برای رسیدن به هدف هایش در این زمینه، از هر ابزاری بهره می گرفت. برای نمونه، بیست روز پیش از کشف حجاب رسمی، محمود جم دستور داد که زنان بدسابقه و بدکاره نباید در مجامع کشف حجاب شرکت کنند، حتی اگر به ایده کشف حجاب احترام بگذارند و از آن استقبال کنند.

راه اندازی سازمان هایی برای احیای حقوق زنان و ایجاد زمینه ای مناسب جهت پرورش فکر کشف حجاب از جمله فعالیت های مقدماتی رژیم بود. رضاخان به وزیر معارف وقت، علی اصغر حکمت، دستور برپایی جمعیتی از زنان آزادی خواه تهرانی را داد. از این گروه نیز خواست اساس نامه ای برای سازمان خود تهیه کنند و در اختیار وزیر معارف بگذارند و از وزیر بخواهند که از آنان پشتیبانی کند. این مؤسسه با نام «کانون بانوان» تأسیس شد که شمس پهلوی، سرپرست آن بود. اکنون که تجربه چنین رویداد مهمی پیش روی ماست، باید به گونه ای برنامه ریزی شود که فرهنگ سراها و مؤسسه های مردمی بر اساس اختیارات و مسئولیت ها و در قلمرو وظایف خود، به صورت هماهنگ برای نهادینه سازی، گسترش و حفظ عفاف و حجاب گام بردارند.

وظیفه دولت را در این زمینه می توان چنین برشمرد:

1. درک ضرورت نهادینه سازی و گسترش فرهنگ حجاب؛
2. هدایت نیروهای دولتی برای نهادینه سازی و گسترش فرهنگ حجاب در سه حوزه فرد، خانواده و جامعه؛
3. پشتیبانی مالی و معنوی از برنامه سازان و هدایت گران جامعه و ایجاد بستری مناسب برای فعالیت های هدف مند فرهنگی در عرصه دین؛
4. نظارت بر نهادهای فرهنگی و دینی و فضای حاکم بر جامعه؛
5. برخورد آگاهانه و متناسب با اصول روان شناختی و جامعه شناسی با متخلفان در این عرصه؛
6. توجه به ورودی های فرهنگی و در اختیار گرفتن گلوگاه های اصلی و همکاری با سازمان هایی مانند صدا و سیما برای جای گزین کردن برنامه های گوناگون و جذاب و متناسب با باورهای دینی به جای فرآورده های ضد فرهنگی.

1. درک ضرورت نهادینه سازی و گسترش باور حجاب و عفاف

نخستین وظیفه دولت اسلامی، درک ضرورت کار فرهنگی و دینی است. دولت اسلامی در صورتی می تواند به

چنین درکی برسد که نهادها با همین هدف راه اندازی شده باشند؛ نهادهایی که به طور علمی و تخصصی به تحلیل و بازبینی شرایط جامعه اسلامی بپردازند و خلأهای موجود را بشناسند. اعضای این نهادها باید با عناصر و احکام دینی آشنا باشند و پیوسته وضعیت جامعه دینی را بررسی کنند و پس از تطبیق دادن آن با قواعد و داده های دینی و یافتن کاستی ها و توان مندی های جامعه، برای هماهنگ کردن شهروندان با قواعد جامعه دینی بکوشند.

درک ضرورت کار فرهنگی در زمینه عفاف در بسترسازی فرهنگی نقش اساسی دارد. حکومت اسلامی پس از رسیدن به این احساس ضرورت باید برای نهادینه سازی فرهنگ عفاف در جامعه، برنامه ریزی و برای پژوهش های بنیادین دینی سرمایه گذاری کند. البته برنامه ریزی علمی جامع، زمان بر و پرهزینه است و به عزم راسخ دولت مردان حکومت اسلامی نیاز دارد.

در این مرحله، آشنایی با مفهوم ها و اصطلاح های مربوط به فرهنگ عفاف و دریافتن تفاوت های مفهومی آن ها امری اجتناب ناپذیر است. تعریف، قلمرو و رابطه مفاهیمی چون حیا، عفاف، حجاب با یک دیگر باید برای برنامه ریزان حکومتی روشن باشد تا در تبیین آن سرگردان نشوند.

حیا، ویژگی درونی است و بنا به تعریف عالمان اخلاق، محدودیت و در تنگنا افتادن نفس در ارتکاب محرمات شرعی، عقلی و عرفی از ترس نکوهش است. حیا، اعم از تقواست؛ زیرا تقوا، خودداری از حرام شرعی است و حیا موجب دوری از حرام عقلی، شرعی و عرفی می شود. در حیا، معانی انفعال و اتصاف نفسانی و تنفر از فعل مخالف ادب و نیز خصلت نفسانی برانگیزاننده نفس بر ترک عمل زشت و پرهیز از زشتی ها به جهت ترس از سرزنش دیده می شود. بنابراین، حیا در سطح وسیعی مطرح می شود. نوع گفتار، رفتار و حتی تفکر افراد، زیرمجموعه این صفت است. در قرآن کریم، نوع رفتار افراد در میهمانی رسول خدا (ص) در مقوله حیا آمده و برخورد آن حضرت که سکوت بود، بیان شده است: «فیستحیی منکم و الله لایستحی من الحق». شیوه راه رفتن و ارتباط یکی از دختران حضرت شعیب با نامحرم نیز حیا توصیف شده است: «فجائته احداهما تمشی علی استحياء».

عفاف، به انسان کمک می کند تا از چیرگی شهوت بر نفس جلوگیری کند. بنابراین، عفت، درونی است و از طریق رفتارهای بیرونی افراد، مانند روابط نامشروع، تعداد فرزندان نامشروع، سقط جنین، چشم چرانی و مزاحمت خیابانی می توان به میزان عفت عمومی یا بی عفتی جامعه پی برد. در واقع، به رعایت مرزها در روابط انسانی، عفاف می گویند، به گونه ای که احساسات و تمایلات فردی اعم از جنسی و غیرجنسی سبب تجاوز به مرزهای اخلاق و عدالت نشود.

حجاب، رفتار بیرونی و عینی است که از ارزش های دینی و به عبارتی، از ضروریات دین به شمار می آید. حیا، عفاف و حجاب، به هم پیوسته اند و هر یک، پیش نیاز دیگری به شمار می رود. به این معنا که با برنامه ریزی عمیق و گسترده دولت برای ایجاد فرهنگ حیا در سطح جامعه می توان به جامعه ای پاک دست یافت و جامعه عفیف در نمود بیرونی اش با حجاب دیده می شود. در واقع، حجاب مبتنی بر عفاف و عفاف بر پایه حیا استوار است و هیچ یک از این سه پدیده، به جنسیت، زمان و مکان بستگی ندارد.

اگر مسئولان برای رسیدن به ارزش های دینی برنامه ریزی داشته باشند، مرحله درک ضرورت، درست پیموده می شود. در رأس هرم دولت، رئیس جمهور است و سطوح بعدی نیز متناسب با ایده ها و ارزش های مورد نظر وی انتخاب خواهند شد و دغدغه هایی مشابه خواهند داشت. هنگامی که رؤسای وزارت خانه ها و مدیران بخش ها

و سازمان های وابسته دارای همان دغدغه ها و اندیشه ها باشند، خانواده دولت با همین نگاه ارزش مدارانه به مسائل جامعه می نگرد و ضرورت نهادینه سازی و گسترش باور حجاب را درک خواهد کرد و برنامه های علمی و عملی را در همین راستا به کار خواهد بست.

اگر دولت، نیروی خود را بر پدیده ای فرهنگی متمرکز کند، به علت گستردگی دامنه آن، زمینه رسیدن به مطلوب بیش از پیش فراهم خواهد شد. پدید آمدن چنین تمرکزی به نگرش دولت مردان و جهان بینی آنان بستگی دارد. باید دانست بحث آسیب شناسی جامعه دینی در این بخش مطرح می شود. یافتن عوامل بدحجابی و بی توجهی به عفت عمومی و نیز عواملی که جامعه را از الگوی جامعه دینی دور می سازد و تحلیل آن ها برای برنامه ریزی در بخش های دیگر، در درک ضرورت پرداختن به مباحث مربوط به نهادینه سازی و گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، نقش مهمی دارد.

2. نقش ها و برنامه های هدایتی دولت

دولت پس از درک ضرورت نهادینه سازی و گسترش باور حجاب، مرحله عملیاتی و اجرایی را آغاز می کند. در امور فرهنگی، آموزش و هدایت در رأس امور اجرایی قرار دارد؛ زیرا هر مسئله فرهنگی در صورتی پایدار و آسیب ناپذیر خواهد بود که مبتنی بر آگاهی و دانش باشد. این بخش از برنامه ها را می توان در جنبه های زیر بررسی کرد:

الف) آموزش و پرورش

نقش آموزش و پرورش در نهادینه سازی باورها بسیار مهم است. از آن جا که مدرسه های دولتی و نیمه دولتی زیر نظر دولت کار می کنند، در برنامه های هدایتی باید به وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توجه ویژه داشت. در بحث آموزش با سه بخش روبه رو هستیم؛ مخاطبان، متن آموزشی و روش آموزشی. برای برنامه ریزی آموزشی باید هر سه بخش را شناخت. مخاطبان آموزش می تواند فرد باشد یا خانواده یا جامعه که در بخش بدنه اصلی جامعه بشری به آن پرداختیم. بدیهی است هر فرد آموزش دیده نیز با افراد دیگر، تفاوت های سنی، تحصیلی و فرهنگی دارد که این تفاوت ها در انتخاب نوع آموزش مؤثر است.

دولت می تواند از رسانه ها، مجتمع های آموزشی و هر مکانی که افراد در بیرون از خانواده با آن ها ارتباط دارند، بهره بگیرد و مخاطبان فردی را آگاه سازد. هم چنین در بخش خانواده می تواند کتاب را در سبب فرهنگی خانواده ها قرار دهد یا از رسانه ملی برای رشد سطح دانسته های آنان استفاده کند. در بخش جامعه نیز با صدور بخش نامه ها و آیین نامه های اداری، وارد عمل می شود.

در زمینه متن های آموزشی، بررسی محتوایی متن ها، ضرورت دارد. تجزیه و تحلیل نسل ها، متفاوت است. از این رو، نسل امروز نسبت به نسل پیشین، به دانشی روزآمد نیاز دارد. ادبیات نسل ها نیز با هم متفاوت است. امروزه به علت وجود برنامه های آموزشی در رسانه های ملی و فراملی، نرم افزارهای آموزشی و بازی های فکری و آموزشی، تصحیح و تغییر متن ها ضرورت دارد. درباره روش های آموزش نیز به تناسب ویژگی ها و نیازهای نسل های جدید، امکانات آموزشی و ابزار موجود می توان روش مناسب را برگزید.

از آن جا که مهم ترین دستگاه دولتی در زمینه امور هدایتی، آموزش و پرورش است، باید به آن توجه ویژه داشت. آموزش و پرورش، فعالیت هدایتی و ارشادی خود را می تواند در موارد زیر سامان دهی کند:

بررسی و اصلاح کتاب های درسی و قرار دادن موضوع های مربوط به عفاف و حجاب، به صورت جذاب، نامحسوس و متناسب با موضوع کلی درس، لازم است. استفاده از عکس هایی که غیرمستقیم از فرهنگ حجاب

یاد کنند و این فرهنگ را بستایند، جزو کارهای مهم به شمار می آید. این حرکت، به دانش آموز می فهماند که تنها در جامعه های عفیف می توان پیشرفت کرد. آشنایی با فرانتس فانون و کتاب وی (که پیش تر گفتیم) و گنجاندن نظرهای نویسندگان بزرگی که در این باره آثاری دارند، مؤثر است. توجه به پس زمینه کتاب های کودکان و نوجوانان و بهره مندی از تصویرهای باحجاب برای شخصیت های منطقی و دانا و نیز گردآوری درس ها به صورت گفت وگوهای دینی، بخشی از اصلاحات متون آموزشی است.

تشکیل کلاس های آموزشی یا نشست های هدف مند علمی با موضوع حجاب و عفاف یا دیگر موضوع های دینی، با مدیریت استادان فرهنگ و اندیشه دینی، کار دیگری است که در این نشست ها باید انجام شود. بهتر است تمام شبهه ها و نظرهای مخالف، مطرح و سپس به آن ها پاسخ داده شود.

تشکیل نشست های علمی درون سازمانی در هر آموزش گاه و مجتمع آموزشی به تناسب سن مخاطبان و تبلیغات مناسب و قرار دادن امتیازهایی برای جلب توجه مخاطبان (دانش آموزان)، یکی دیگر از راه کارهاست. این حرکت در دانش گاه ها انجام می شود و دانش جویان بسیاری جذب شده اند و اندیشه آن ها را جهت داده است. جهت دادن به پژوهش های دینی دانش آموزان و پشتیبانی مالی و معنوی از پژوهش ها نیز سودمند است.

نکته مهم و قابل توجه در بخش سیاست های هدایتی دولت، آموزش درست و به دور از افراط و تفریط و متناسب با دانسته های دینی است. برای مثال، در مقوله حجاب و عفاف، با عنصر شهوت و خودآرایی روبه رو می شویم که تبیین جایگاه هر یک از این عناصر، ضروری است. گفته اند که عقلانیت اسلامی، قوه شهوت را به طور ذاتی ناپسند نمی داند، بلکه سرکشی شهوت سبب تباهی انسان می شود. نقش شهوت افزون بر تداوم نسل در تشکیل علایق جمعی (مانند خانواده) و تلطیف روابط انسان ها بسیار مهم است و موجب پرورش قوه خیال و تحرکات احساسی می شود و سرکوب آن نیز به سستی، خشونت یا دل مردگی می انجامد. پس ساختار آموزش و پرورش در این زمینه نیز باید بر اساس هدف های آفرینش باشد.

بنای اسلام بر نابودی انگیزه یاد شده نیست، بلکه به مهار آن می اندیشد. برخی بر این باورند که اسلام، نه تئوری «شهر مردان، شهر زنان» سقراط را قبول دارد و نه رهبانیت مسیحی را. در عقلانیت لیبرال، شهوت، بُت عیار و قدرت مندی است که بر افعال فردی و جمعی سیطره دارد؛ زیرا در این عقلانیت، «لذت»، مهار انسان را در دست دارد و اصل «بیشترین لذت و کم ترین زحمت» راهنمای او است.

به طور کلی، نقش هدایتی دولت در حوزه آموزش و پرورش، با مفهوم شناسی علمی و آشنایی با قلمرو و محدوده موضوع های مربوط به فرهنگ حجاب و عفاف، آغاز می شود و پس از بیان تعریف مناسب و کارشناسانه، به عرضه محصول های آموزشی مکتوب و غیرمکتوب می انجامد و شیوه ها و روش های آموزش مستقیم و غیرمستقیم، تحلیل و بررسی می شوند.

ب) تبلیغ و اطلاع رسانی

برای هر گروه سنی و تحصیلی، از تبلیغ می توان سود جست. از این رو، تبلیغ نسبت به آموزش، کارآمدتر است. حوزه های علمیه و مدرسه های مذهبی، متولیان اصلی تبلیغ در کشورهای اسلامی و حتی در جامعه های دینی غیراسلامی هستند، ولی دولت به دلیل توان مندی هایی که دارد، بیش از دیگر نهادها می تواند در گسترش ارزش های اسلامی اثرگذار باشد. حوزه های علمیه به هیچ یک از نهادها و قوای سه گانه وابسته نیستند و مستقل و مردمی اند، ولی دولت می تواند با برنامه ریزی در بهره مندی از پرورش یافتگان حوزوی در تمام حوزه های زیر نظر

خود و رشد سطح دینی خانواده دولت و در نتیجه، بازتاب دادن فرهنگ و اندیشه دینی در جامعه، از طریق به کارگیری مدیریت متعهد دینی، سطح تبلیغ را گسترش دهد. هم کاری با حوزه های علمیه و حمایت از برنامه های تبلیغی و ترویجی و حتی برنامه ریزی های کلان در زمینه گسترش مؤسسه ها و حوزه های تربیت مبلّغ باید از جمله برنامه های عملی دولت در این زمینه باشد که در بخش حمایتی به آن می پردازیم.

ج) هماهنگی و پیوند تنگاتنگ با رسانه ملی و هنر تصویری

رسانه های تصویری هم چون تلویزیون و سینما به عنوان یکی از ابزارهای آموزشی با گروه گسترده ای از مخاطبان ارتباط دارند. گفتنی است تأثیر آموزش در مکان های آموزشی و تبلیغ در مناسبت های گوناگون، ماندنی تر و عمیق تر از تأثیر رسانه هاست. البته نباید از یاد برد که گستره آموزش از راه رسانه تصویری، وسیع تر است و زمینه تحولات آنی را فراهم می سازد که معمولاً این حالت ها پایدار نیستند، مگر آن که به طور پیوسته، پیام های مثبت دینی را منتقل کنند. از رسانه ها به عنوان وسیله ای برای بیدار کردن خفتگان می توان بهره برد، ولی بیان این که چگونه باید حرکت کرد و در طول سفر معنوی با چه کسانی باید پیوند داشت، در برخی موارد، از عهده سیما و سینما بر نمی آید. هر حقیقتی را نمی توان به تصویر کشید، بلکه پس از ایجاد تشنگی روحی برای افراد، باید آن ها را به سرچشمه رساند.

برگزاری نمایش گاه های تصویری و تجسمی، نظیر عکس، گرافیک، نقاشی و طراحی با موضوع های عفاف و حجاب یا راه اندازی هنرکده هایی برای گسترش فرهنگ دینی، جنبه دیگر آموزش غیر مستقیم است که دولت می تواند برای آن برنامه ریزی کند. هم چنین برگزاری نمایش گاه هایی با موضوع های تاریخی، مانند «حجاب ایرانی از عهد ساسانی تا امروز»، «حجاب در ادیان» یا «فلسفه حجاب با الهام از آیات و روایات» مؤثر خواهد بود.

3. نقش ها و برنامه های حمایتی دولت

یکی از مهم ترین آثار فرضیه سالم سازی در اقتصاد، حمایت گسترده است. در حوزه فرهنگ نیز حمایت های گسترده موجب سالم سازی این عرصه می شود. حمایت دولت از برنامه سازان فرهنگی در زمینه نهادینه سازی و گسترش فرهنگ حجاب و عفاف را می توان از دو جنبه مادی و معنوی بررسی کرد. حمایت از متولیان امور فرهنگ دینی از نظر مالی و در نظر گرفتن بودجه متناسب با نیازهای فرهنگ دینی کشور جزو حمایت های مالی دولت است و ارتقای شغلی مدیران متعهد و پای بند به برنامه سازی فرهنگ دینی، بزرگ داشت و نکوداشت فعالان فرهنگ دینی در خانواده دولت، در نظر گرفتن تسهیلات برای آنان و گسترش تشویق ها به سطح جامعه و خارج از خانواده دولت، جزو حمایت های معنوی دولت به شمار می رود. گفتنی است در این زمینه ایجاد کانون ها و مؤسسه های حمایتی نیز مناسب به نظر می رسد.

بدیهی است اگر امکانات مالی و معنوی برای چاپ و پخش آثار معنوی و مرتبط با فرهنگ دینی به ویژه فرهنگ سازی در زمینه حجاب و عفاف فراهم باشد و اهل اندیشه، قلم و هنر به حمایت دولت اطمینان داشته باشند، جهت گیری پژوهش ها و نمایشگاه های هنری به سمت فرهنگ دینی کشیده خواهد شد. در یک کلام می توان گفت حمایت از پروژه های بزرگ فرهنگی و همکاری و تعامل با مؤسسه های دینی جزو وظیفه های اصلی دولت اسلامی است.

4. نقش ها و برنامه های نظارتی دولت

فاصله نظارت و دخالت بسیار اندک است و دولت باید متوجه این فاصله باشد و بدون دخالت در امور نهادها، به نظارت بر تولید محصول فرهنگی بپردازد. سپس داوری را باید به قوه قضاییه بسپارد و برای حفاظت و مبارزه با

مفاسد و منکرات، با نهادهای مربوط هماهنگ باشد.

مهم ترین نقش های نظارتی دولت عبارتند از:

الف) نظارت بر ورودی های فرهنگی و هنری

ورودی های فرهنگی و هنری و حتی اندیشه های وارداتی، در موارد بسیاری، نه تنها با باورهای عمیق دینی تناسب ندارد، بلکه گاه نوعی دین ستیزی یا دین گریزی در آن ها دیده می شود. سیاست استکبار جهانی بر بسیاری از محصول های فرهنگی وارداتی سایه افکنده و درصدد ویران کردن باورهای جامعه دینی است. بنابراین، نظارت بر واردات فرهنگی و تولید محصول هنری و یافتن دست های آلوده می تواند به بهبود وضع فرهنگ دینی در جامعه اسلامی کمک کند.

ب) نظارت بر بومی سازی تولید محصول فرهنگی و هنری

همواره نظام فکری مبتنی بر باورهای دینی، تولیدکننده آثاری است که بیانگر فرهنگ و اندیشه دینی هستند. نظارت دولت بر برنامه ریزان این عرصه و ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت های آنان می تواند به گسترش تولید محصول فرهنگ دینی بیانجامد و زمینه صدور آن ها را فراهم سازد. این محصول ها پیوسته باید زیر نظر باشند تا آن چه بیش از همه با اندیشه دولت و جامعه اسلامی سازگار است، صادر شوند.

نکته مهم و قابل توجه در بومی سازی تولید محصول فرهنگی متناسب با شأن و فرهنگ دینی، دقت در استفاده از شیوه های جذاب و اثرگذار است. بهره گیری از نویسندگان، طراحان و کارگردانان باتجربه و آگاه، برای این حرکت فرهنگی لازم است. کار فرهنگی ضعیف، کلیشه ای و شعاری، نه تنها برای نسل امروز تأثیر مثبت ندارد، بلکه سبب دوری شهروندان از فرهنگ اصیل دینی می شود. بنابراین، با حمایت مالی و معنوی دولت از برنامه های مربوط به فرهنگ دینی و تهیه کنندگان این برنامه ها می توان محصولی سالم، مؤثر و جذاب را تولید و به جامعه دینی عرضه کرد و با نظارت دولت می توان امیدوار بود که این برنامه ها و تولیدها کاستی نداشته باشند.

5. نقش ها و برنامه های حفاظتی دولت

آخرین نقش دولت مردان در زمینه فرهنگ، حفظ باورهای دینی است. پیش از این بیان شد که در سه مرحله نهادینه سازی، گسترش و حفظ و نگه داری باید به فرهنگ سازی پرداخت و نقش های شناختی، هدایتی، حمایتی، نظارتی و حفاظتی برای دولت مطرح شد. مبحث نهادینه سازی با نقش هدایتی دولت هم سو است و مبحث گسترش با دو نقش حمایتی و نظارتی. مبحث حفظ و نگه داری نیز به نقش آفرینی حفاظتی دولت نیازمند است. در واقع، برای حفظ فرهنگ حجاب که نهادینه شده و گسترش یافته است، باید از راه کارهای حفاظتی بهره برد. بهره گیری از نیروهای انتظامی، به کار بستن قوانین تدوین شده برای حفظ فرهنگ دینی، پی گیری اجرای آیین نامه ها و بخش نامه های مربوط و در نظر گرفتن مجازات برای متخلفان، از جمله نقش های حفاظتی دولت است. در این بخش، هماهنگی با دستگاه های قضایی و شوراهای حل اختلاف نیز ضروری به نظر می رسد؛ زیرا این دستگاه ها موظف به حفظ امنیت روانی، مالی و جانی جامعه از طریق مجازات مجرمان هستند. روشن است کسانی که به حریم عفت عمومی تجاوز می کنند و امنیت روانی جامعه را به خطر می اندازند، باید مجازات شوند. به یقین، اگر دولت اسلامی در این مرحله، جدی تر و هدف مندتر از گذشته کار کند، بنای فرهنگی ساخته شده، حفظ خواهد شد و در غیر این صورت، در زمان کوتاهی ویران می شود. گفتنی است اگر حکومت اسلامی و متولیان فرهنگ دینی در مرحله نخست که نهادینه سازی باورهاست، کارشناسانه و آگاهانه عمل کنند و حقیقت وجودی درون افراد را به آنان بشناسانند، در مرحله نهایی، مشکلات کم تری خواهند داشت؛ زیرا کسانی که به

ارزش حقیقی و شرافت حیا، عفاف و حجاب پی ببرند و آن را ارزش مند ببینند، بهترین حافظ آن خواهند بود و در هر حالتی برای حفظ آن تلاش می کنند. در واقع، اگر حس «خود ارزش مندی» در مسئله عفاف و حجاب، برای جوانان به ویژه دختران ایجاد شود، فضای حاکم بر جامعه از سلامت و بهداشت روانی برخوردار خواهد شد.

طرح فرهنگ عفاف و حجاب و اقدام ملی و محلی

فرهنگ سازی به ویژه در زمینه فرهنگ دینی، هر چند با صدور بخش نامه و آیین نامه قابل اجراست، ولی از راه آموزش شهروندان، سودمندتر است و پس از فرهنگ سازی در سطح جامعه، به بخش نامه های اجرایی نیز نیازمند خواهیم بود. با توجه به این نکته به نظر می رسد اقدام محلی و برنامه ریزی در روستاها، بخش ها و محله های کوچک و بزرگ، نیازمند هزینه بسیار و زمان بیش تر است، ولی نتیجه گیری از این حرکت، قطعی خواهد بود. از آن جا که مسئله فرهنگ عفاف و حجاب از مقوله های دینی است، می توان از غیرت دینی افراد سود جست و در موردهای بسیاری چون هزینه مکان آموزش و دیگر امکانات آموزشی، از کمک های معنوی و مالی مردم بهره گرفت.

در هر محله ای، افراد معتمدی وجود دارند که می توانند رابط فعالیت های فرهنگی باشند و افرادی را به عنوان هسته های اصلی آموزشی یا اجرایی معرفی کنند. در محله ها بر اساس برنامه ریزی مشخص می توان کلاس های آموزشی در سطح کودکان، نوجوانان و بزرگ سالان، برگزار و از آموزگاران دوره دیده و کسانی که به عفاف و حجاب ایمان دارند، استفاده کرد. البته باید از متن های جدید آموزشی که با توجه به اصل «امتناع و ترغیب» تهیه و تدوین شده است، بر اساس زمان بندی کارشناسی شده بهره برد.

از ویژگی های اقدام محلی این است که فرهنگ عفاف و حجاب، در بافت اصلی جامعه گسترش می یابد. فرزندان این محله ها، دانش جویان سال های بعد خواهند بود که اگر با فرهنگ عفاف به خوبی آشنا شده باشند، خود، به عنوان مروج و مبلغ این فرهنگ، در دانش گاه ها فعالیت خواهند کرد. هم چنین تغییر محیط های کوچک اجتماعی، به مرور زمان، تغییر واحدهای بزرگ تر را به دنبال خواهد داشت. با این آموزش محلی می توان محله ها و روستاها را در برابر هجمه بی عفاف و بی حجابی، مقاوم کرد. در این مرحله، بافت های کوچک جامعه، از خطر بی عفتی و بی حیایی محفوظ می مانند و برای بافت های بزرگ تر؛ یعنی شهرها و استان ها باید همان برنامه های گفته شده در قالب نقش های هدایتی، حمایتی، نظارتی و حفاظتی دولت به اجرا درآید.

بنابراین، بخشی از جامعه از نظر فرهنگ دینی، برای پیش گیری از سرایت بیماری فرهنگی واکسینه می شوند و بخشی که به این بیماری دچار شده اند، درمان می گردند. با تزریق باورهای دینی به اندیشه مردم و از بین بردن عوامل بیماری یادشده که این فرآیند را می توان «پرهیز» نامید، باید امیدوار بود در کنار برخورد قانونی با مظاهر فساد و بی عفتی، «جراحی فرهنگی» برای حفظ مصالح عمومی و به سود همه شهروندان صورت گیرد.

پیشنهادهایی برای نهادینه سازی و گسترش فرهنگ حجاب و عفاف

دولت اسلامی در زمینه اجرایی می تواند با انجام امور زیربنایی، زمینه گسترش عفت عمومی را در جامعه اسلامی فراهم سازد و با تصمیم گیری درست و سیاست گذاری کارشناسانه، ریشه بی عفتی را بخشکاند و فرصت دسیسه چینی را از دشمن بگیرد. برخی از این راه کارها عبارتند از:

1. ایجاد مراکزهای مشاوره و پاسخ گویی به شبهه ها، با هزینه کم و در صورت امکان به شکل رایگان؛
2. ایجاد بستری برای ازدواج جوانان؛
3. جهت بخشی به غریزه جنسی جوانان و جلوگیری از ورود و پخش عوامل تحریک زا؛
4. ایجاد تفریح گاه های سالم و متناسب با شأن جامعه اسلامی که زمینه رشد فرهنگی در آن ها فراهم بوده و غیرمستقیم و نامحسوس، زیر نظر باشند؛
5. رفع مشکلات اقتصادی شهروندان و حل مشکل معیشت آنان که در برخی موارد، عامل اصلی بی عفتی است؛
6. ایجاد فضای سالم رقابتی در زمینه ورزش، دانش و هنر و گسترش ارتباطات بین المللی در زمینه های یادشده برای متمرکز و هدف مند کردن نیروی سرگردان جوانان؛
7. اجرای سیاست های بازدارنده به وسیله نیروهای انتظامی آموزش دیده و آشنا با دانش روان شناسی و جامعه شناسی؛
8. اجرای سیاست های اصلاح گرایانه در ساختارهایی که غیر کارشناسانه کار می کنند و با اصول و مبانی تربیت اسلامی هماهنگ نیستند؛
9. راه اندازی انجمن های محلی یا ایجاد زمینه به وجود آمدن خرده سازمان های محلی با بهره گیری از افراد کارآمد و دارای انگیزه فرهنگی که در محله ها ساکن هستند و نسبت به مسئله عفاف و حجاب در حکومت دینی احساس مسئولیت دارند؛
10. معرفی الگوهای مناسب ارتباط زن و مرد مسلمان در سازمان های وابسته به دولت از سوی برنامه سازان فرهنگی دولت پس از هماهنگی با متولیان امور دینی هم چون حوزه های علمیه؛
11. معرفی الگوی جامع و مناسب حجاب و پوشش اسلامی و ایجاد زمینه دست رسی آسان به این نوع پوشش؛
12. حذف ضدا ارزش ها و مظاهر ضداخلاقی؛
13. حفظ نیمه عفیف و باحجاب جامعه هم زمان با مبارزه با نیمه غیرعفیف و براندازی مظاهر فساد.

نتیجه گیری

فرهنگ سازی در حوزه دین باید آگاهانه نهادینه شود. پیکره جامعه شامل فرد، خانواده و جامعه است. فرهنگ عفاف و حجاب، یکی از باورهای اصیل دینی است که در سه حیطه یادشده، با توجه به شناسایی مرزهای مفهومی حیا، عفاف و حجاب که جان مایه فرهنگ عفاف هستند و نیز ابزار و شیوه های نو و مؤثر و اطلاعات جامعه شناسی و روان شناختی به جامعه تزریق می شود.

معمولاً فرهنگ سازی درست، در سه مرحله نهادینه سازی (تعمیق: عمق بخشیدن به سطح باورهای اجتماع)، گسترش (ترویج: گسترش باورهای موجود یا نهادینه شده) و حفظ و نگه داری (تحفیظ: حفظ باورهای نهادینه شده و ترویج یافته)، شکل می گیرد که در هر مرحله، با توجه به مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی، نقش های گوناگونی برای آن تعریف می شود.

دولت اسلامی موظف است نیازهای اولیه مادی و معنوی شهروندان را تأمین کند. ایجاد امنیت روانی و حس خود ارزش مندی برای مردم جزو وظایف دولت در محدوده تأمین نیازهای معنوی و روانی است که باید آن را به گونه ای روش مند و هدف مند اجرا کند. تنها با تلاش برنامه ریزی شده و جهت دار برای نهادینه سازی و گسترش باورهای دینی و حمایت نهادها و سازمان های دولتی برای حفظ این باورها، زمینه تأمین نیازهای یادشده فراهم می شود.

از این رو، فرآیند فرهنگ سازی دولت و حکومت اسلامی را می توان در پنج بخش: شناختی (درک ضرورت)، هدایتی (آموزش و پرورش)، حمایتی، نظارتی و حفاظتی بررسی کرد.

طرح اجرایی پیشنهادی این نوشتار عبارت است از اقدام گسترده محلی در محله ها و محیط های محدود، برای جلوگیری از هجوم فرهنگ بی عفتی در بافت های کوچک جامعه و واکسینه کردن مردم عادی در برابر این ویروس فرهنگی. هم زمان با این طرح می توان در شهرها و استان های بزرگ نیز به درمان و مبارزه با عوامل بی عفتی پرداخت و با نهادهای سازی باور دینی در دوره های پیش دبستان، دبستان و راهنمایی و گسترش دادن این باور در همه سطح های سنی و قشربندی های اجتماعی، فرهنگ عفاف و حجاب را در جامعه حفظ کرد. در پژوهش حاضر، پیشنهادهایی نیز درباره کیفیت نهادهای سازی، گسترش و حفظ و نگه داری فرهنگ عفاف و حجاب مطرح شده است که می تواند راه گشای مسئولان دولت اسلامی باشد.

منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

* قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدوین: جهانگیر منصور.

پی نوشت ها :

1. آقابابایی، اسماعیل و علی رضا شال باف، فمینیسم و دانش های فمینیستی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، 1382.
2. ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی الجامعه المدرسین، 1404 ه. ق.
3. ابن منظور، لسان العرب، چاپ اول، قم، نشر الادب الحوزه، 1405 ه. ق.
4. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، تحقیق: سید مرعشی و شیخ مجتبی عراقی، چاپ اول، قم، مطبعه سیدالشهداء (ع)، 1403 ه. ق.
5. استاد ملک، فاطمه، حجاب و کشف حجاب در ایران، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، 1367.
6. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق: احمد بن عبدالغفور عطار، چاپ چهارم، بیروت، دارالملائین، 1407 ه. ق.
7. حمیری قمی، ابوالعباس عبدالله، قرب الاسناد، تحقیق: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1413 ه. ق.
8. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، واقعه کشف حجاب، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، 1373.
9. شیخ صدوق، علل الشرایع، نجف، المكتبة الحیدریه، 1386 ه. ق.
10. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی فی سیره خیر العباد، تحقیق: شیخ عادل احمد عبدال موجود،

چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1414 هـ. ق.

11. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تهران، کتاب خانه نینوا، بی تا.

12. فانون، فرانتس، الجزایر و مسئله حجاب، ترجمه: تابنده، نشر شهدا، بی تا.

13. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، 1365 هـ. ق.

14. لاریجانی، محمدجواد، تدین، حکومت و توسعه، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، 1377.

15. مازندرانی، ملا محمد صالح، شرح اصول کافی، تعلیق: میرزا ابوالحسن شعرانی، بی نا، بی جا، بی تا.

16. متقی هندی، کنز العمال، تحقیق: شیخ بکری حیانی و شیخ صفوه السقاء، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا.

17. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 هـ. ق.

18. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، جلد اول، 1378.

19. نراقی، ملامهدی، جامع السعادات، ترجمه: مجتبوی، چاپ سوم، تهران، حکمت، 1372.